

دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۵-۱۷

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه خاورمیانه

بررسی موردی دو کشور عراق و سوریه^۱

دکتر حاکم قاسمی^۲

علی اکبر رضایی^۳

کامران ربانی صدر^۴

چکیده

نظریه پخش یا «اشاعه» یکی از نظریات رایج در زمینه گسترش پدیده‌ها و ایده‌ها می‌باشد. در این نوشتار تلاش شده است با استفاده از نظریه پخش تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر کشورهای خاورمیانه مورد بررسی قرار دهیم. از مولفه‌های مهم در نفوذ انقلاب اسلامی در این کشورها ماهیت دینی انقلاب اسلامی بوده است که مستقل از دو مکتب فکری رایج آن زمان یعنی لیبرالیسم و مارکسیسم، اسلام را به عنوان راه سعادت بشر به جهان معرفی نمود. همچنین انقلاب اسلامی با ماهیت شیعی خود توانست گروه‌های شیعی را که در سایر کشورها در اقلیت بودند به حرکت درآورد و موجی از خودباوری را در آنان برانگیزاند که حاصل آن حضور پر رنگ شیعیان در مسائل سیاسی اجتماعی کشورشان بوده است. علاوه بر این انقلاب اسلامی با استفاده از مؤلفه‌هایی همچون آرمان مشترک و دشمن مشترک توانست نفوذ خود را عملی سازد.

هدف: هدف این پژوهش بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جمعیت‌های شیعی در آن‌ها در اقلیت قرار داشتند و از حقوق سیاسی - اجتماعی برخوردار نبودند و تحت تأثیر انقلاب اسلامی جنبش‌هایی بوجود آوردند و توانستند نقش خود را در فضای سیاسی - اجتماعی کشورهایشان پر رنگ‌تر از قبل کنند.

روش: روش پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی، با استفاده از منابع ثانویه (کتابخانه‌ای) می‌باشد.

یافته: انقلاب اسلامی ایران توانست با استفاده از متغیرهایی همچون آرمان مشترک، دشمن یکسان، مولفه‌های فرهنگی و ارزشی، و ایدئولوژی اسلامی به طور عام و ایدئولوژی شیعی به طور خاص در میان سایر ملت‌های مسلمان نفوذ کند.

نتیجه‌گیری: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد نفوذ انقلاب اسلامی در کشورهای عراق و سوریه هستیم و انقلاب اسلامی ایران همواره تلاش نموده از این گروه‌ها حمایت کند ولی هرگاه در ایران گروه‌های سیاسی طرفدار گفتگو با غرب بر سر کار می‌آید شاهد کم‌رنگ شدن و یا به حاشیه رفتن صدور انقلاب هستیم.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، خاورمیانه، نظریه پخش.

۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

۲ - دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره قزوین. ghasemi@ikiu.ac.ir

۳ - ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره قزوین. Rezaei.yu@gmail.com

۴ - ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره قزوین. Kamran.rabanisadr@yahoo.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید باعث شگفتی کشورهای اسلامی به ویژه گروه های شیعی که تحت ستم بودند و از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار نبودند شد. انقلاب اسلامی از همان ابتدا با دشمنی قدرت های جهانی رو به رو شد و خواستار جلوگیری از صدور آن شدند. برخی از کشورهای منطقه که دست نشانده این ابرقدرت ها بودند نیز در این راه به کمک اربابانشان آمدند، ولی با تمام تلاششان نتوانستند مانع صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورها شوند. کشورهای منطقه به رهبری عربستان سعودی درصدد بودند با به راه انداختن تفرقه شیعه - سنی بین انقلاب اسلامی و کشورهای منطقه که اکثریت جمعیتشان را اهل سنت تشکیل می دهد مرزبندی مذهبی ایجاد نمایند و مانع صدور انقلاب به این کشورها شوند. علیرغم تمام اقدامات خصمانه قدرت های بزرگ و کشورهای دست نشانده منطقه انقلاب اسلامی توانست با ماهیت اسلامی و ضد استکباری خود در کشورهای منطقه نفوذ کند و باعث بوجود آمدن جنبش هایی در این کشورها شود که موجب پررنگ تر شدن نقش گروه های محروم در این کشورها شد. به اعتقاد بسیاری از رهبران این جنبش ها، اقدامات امام مانند ایجاد دارالتقریب فرقه های اسلامی، اعلام روز قدس، صدور فتوا بر ضد سلمان رشدی، نامگذاری هفته وحدت و... برای اتحاد مسلمانان بوده است. سوال اصلی این است که انقلاب اسلامی چگونه به کشورهای منطقه نفوذ کرد؟ انقلاب اسلامی ایران با تاکید بر آرمان مشترک مسلمانان جهان؛ که همانا برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام بود، دشمن مشترک؛ که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و ایدئولوژی اسلام؛ که نمی تواند در درون مرزهای یک کشور محصور و بالتبع انقلاب اسلامی هم نمی تواند در درون مرزهای ایران بماند توانست در کشورهای منطقه نفوذ کند و موجب شد مردم این کشورها در مقابل حکام زورگو و دست نشانده خود بایستند و خواستار نقش پررنگ خود در عرصه های سیاسی - اجتماعی شوند و انقلاب اسلامی را که توانسته بود رژیم پهلوی را که به عنوان ژاندارم منطقه شناخته می شد به زیر بکشند را به عنوان الگوی خود قرار دهند. از این رو انقلاب اسلامی با ایجاد خودباوری در ملت ها توانست آنها را بر علیه ظلم و زور به حرکت درآورد.

پیشینه پژوهش:

رضا سیمبر، نظام الدین موسوی و روح الله قاسمیان در مقاله ای با عنوان « تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش های مردمی در جهان عرب » که در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی (۱۳۹۳) انتشار یافت تلاش کرده اند نشان دهند که طبق نظریه پخش انقلاب اسلامی ایران در زمینه های مشترکی چون ایده واحده، دشمن یکسان، آرمان مشترک، وحدت گرایی و مردم مداری دارای نقاط اشتراک با خیزش های مردمی در جهان عرب می باشد.

دومین پیشینه ادبی مقاله ای است با عنوان « بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام » نوشته منوچهر محمدی که در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۱۳۸۴) انتشار یافت تلاش می کند نشان دهد که دولت های معاصر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران عموماً از این تحول و رخداد عظیم تاریخی استقبال به عمل نیاورند و خواستند مانع صدور آن شوند ولی با وجود تمام تلاش هایی که در این زمینه انجام پذیرفت در این امر ناکام ماندند.

حسن مجیدی در مقاله ای با عنوان « از جنبش تا نهاد، بازخیزی شیعیان خاورمیانه» که در سال (۱۳۸۹) انتشار یافت با بازنمایی وضعیت فعلی بازخیزی شیعیان خاورمیانه به تشریح و بسط ظرفیتهای تاثیرگذاری این مولفه مهم در آینده به بررسی تنوع و آثار و نتایج این بازخیزی در صحنه خاورمیانه پرداخت.

حمیدرضا منیری و محمد هادی فلاح زاده در مقاله ای با عنوان « حج ابراهیمی و صدور انقلاب اسلامی فرصت ها و موانع» که در فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی (۱۳۹۴) انتشار یافته تلاش کرده اند نشان دهند که حج ابراهیمی با وجود موانعی بالفعل بر سر راه خود، ظرفیتهای بالقوه فراوانی در ابعاد و سطوح مختلف جهت صدور ارزش های انقلاب اسلامی دارد و می توان ارزش های انقلاب اسلامی را از این دریچه به کشورهای مقصد انتشار داد. آثار و تالیفات بسیار دیگری نیز در زمینه صدور انقلاب اسلامی وجود دارد ولی در آنها به صدور انقلاب هم از طریق اسلام و هم تشیع غفلت شده است، همچنین نفوذ انقلاب اسلامی ایران به کشوری مانند سوریه که در آن شیعیان قدرت را در دست دارند نیز کم پرداخته شده است، که در این پژوهش دلایل این نفوذ در سوریه را بررسی کرده ایم.

چارچوب نظری تحقیق:

نظریه پخش:

اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه ی دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار گیرد (برزگر؛ ۱۳۸۲: ۴). این نظریه به همت هاگر استرند (جغرافیدان سوئدی) در سال ۱۹۵۳ ابداع گردید. وی به واسطه این نظریه در پی کسب چگونگی گسترش نوآوری در زمینه ی پدیده های کشاورزی و سل گاوی در طی سال های مختلف برآمد (معین آبادی، انتقامی؛ ۱۳۹۴: ۴).

این نظریه که برگرفته از تئوری های روان شناسی اجتماعی است توسط هاگر استرند مطرح گردیده است. در این چارچوب چند نوع پخش مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. پخش جابجایی:

پخش یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ می باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. این نوع پخش زمانی رخ می دهد که افراد و گروه های دارای یک ایده مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به طریق ابداعات و نوآوری ها در سرزمین جدید گسترش می یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابجایی؛ اشاعه یافته اند (همان؛ ۱۳۹۴: ۷).

۲. پخش سلسله مراتبی:

در این نوع از پخش، پدیده ها و نوآوری ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته ها و طبقات، منتقل می شود و گسترش می یابد. ایده ها از یک «فرد مهم» به یک فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می یابد. بنابراین، فرآیند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس یا مد آرایش سر یا کالاهای مصرفی جدید، نظیر کامپیوتر، یا عقاید و ایدئولوژی ها از پایتخت به شهرهای

بزرگ میانی، کوچک و روستا و به صورت سلسله مراتبی انجام می شود. بنابراین، نوآوری ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین منتشر می شود. برخی این پدیده را «انتشار ریزشی» نیز گفته اند؛ یعنی فرآیندی که از مرکز بزرگ تر و مهم تر به مراکز کوچک تر سرازیر می شود. مثلا در صدر اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد قبیله نیز تغییر دینان می دادند. این مورد یکی از بهترین مثال های پخش سلسله مراتبی است (برزگر؛ ۱۳۸۲: ۶).

۳. پخش سرایتی:

در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می گیرد (سمبر، موسوی، قاسمیان؛ ۱۳۹۳: ۳) چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می شود. بنابراین، افراد در نواحی نزدیک، نسبت به افراد در نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند (همان؛ ۱۳۸۲: ۷).

مفهوم صدور انقلاب:

حضرت امام خمینی (ره) درباره صدور انقلاب به صراحت می فرماید: «اینکه ما می گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابر قدرت ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود. آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت ها بیدار شوند و همه دولتها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می رود و خودشان به نحو فقر زندگی می کنند، نجات بدهند (صحیفه؛ ج ۱۳: ۲۵۷).

با توجه به این معنای صدور انقلاب از دیدگاه حضرت امام (ره) می توان گفت صدور انقلاب از دیدگاه ایشان به معنای دخالت در شئون مردم کشورهای دیگر نیست بلکه رهایی این کشورها از چنگال ابر قدرت ها و اینکه ملت ها خودشان سرنوشت خودشان را رقم بزنند. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل یکصد و پنجاه و چهارم خود به صدور انقلاب اسلامی توجه کرده. اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه ی مردم جهان می شناسد». بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می کند (خلیلی؛ ۱۳۹۲: ۳).

همانطور که از فرمایشات بنیان گذار جمهوری اسلامی و همچنین از قانون اساسی جمهوری اسلامی پیداست، هدف از صدور انقلاب، دفاع از مظلومین در برابر مستکبرین است و نه دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر می باشد. یعنی صدور انقلاب برای سعادت دیگر ملت ها صورت می گیرد و کشوری که به این کار مبادرت می ورزد سود و منفعتی از آن نخواهد برد، و اگر این هدف نباشد و برای کسب منافع باشد این صدور الهی نیست و شیطانی می باشد، چنانکه قرآن کریم میفرماید: و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک لیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا. چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟ همان افراد (ستم دیده ای)

که می گویند: خدایا ما را از این شهر که اهل آن ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود، سرپرست قرار ده و برای ما از طرف خود یار و یآوری تعیین فرما (نساء، ۷۵).

هرگاه یک کنش سیاسی متاثر و دنباله رو کنش سیاسی دیگری باشد باید دارای شاخص ها یا زمینه های مشترک با کنش سیاسی مبدا باشد و این شاخص ها هم می توانند انتزاعی و ارزشی باشند، مانند، آرمان ها و عقاید مشترک و هم می توانند عینی باشند مانند شیوه ی مبارزه ی یکسان. حال باید دید شاخص ها و زمینه های مشترک انقلاب اسلامی ایران با جنبش های سیاسی معاصر کدامند که در ذیل آنها را بررسی خواهیم کرد.

۱. آرمان مشترک:

انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر جهان از طریق نفی قدرت ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده های مردم هستند. جنبش های اسلامی معاصر حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی اند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشیده، آن ها را از عزلت و حقارت نجات داد، بر ناتوانی مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان مهر تایید زد و اسلام را به عنوان تنها راه حل برای زندگی سیاسی مسلمین مطرح ساخت (سمبر و همکاران؛ ۱۳۹۳: ۴-۵).

میشل فوکو متفکر شهیر فرانسوی نیز درباره انقلاب اسلامی می گوید: ایرانی ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند و انقلاب اسلامی ایران برای معنویت گرایی است. به نظر فوکو، روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می شود که ایرانی ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند. فوکو قطب تحلیل خود را از انقلاب اسلامی ایران در معنویت گرایی سیاسی بیان می کند (نهاد ایران؛ ۱۳۹۷).

۲. دشمن یکسان:

انقلاب اسلامی و جنبش های اسلامی دارای دشمن مشترک هستند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی است، همانند کفار قریش، مغولان وحشی، صلیبیون افراطی، اشغالگران اروپایی و صرب های نژاد پرست و... کیان اسلام را تهدید می کنند. در حالی که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی»، علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفت (سمبر و همکاران؛ ۱۳۹۳: ۵).

آمریکا و اسرائیل از دیدگاه مسلمانان و جنبش های اسلامی، بزرگ ترین دشمنان جوامع اسلامی به شمار می روند و در این راستا، بیشترین رویارویی های نهضت های اسلامی با آنها صورت گرفته است (حوزه؛ ۱۳۸۹).

۳. مولفه های فرهنگی و ارزشی:

مولفه های فرهنگی - ارزشی انقلاب اسلامی طی فرایندی تدریجی، تغییر قابل توجهی در متغیرهای رفتاری و باورهای اسلامی - هویتی مردم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در مواجهه با ساختارهای سیاسی حاکم ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی نشان داد که دین می

تواند عنصری تاثیرگذار بر نظام تصمیم گیری جهانی قلمداد شود و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت های مسلمان اعطا کرد که می توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم گیری و اطلاع رسانی، باب خلاقیت اسلامی را گشود. انقلاب اسلامی با اثبات توانایی دین برای حکومت داری و احیای نقش دین به عنوان عنصری تاثیرگذار بر تحولات جهانی، توانست به زنده کردن هویت اسلامی بر اساس پیوند دین و سیاست مبادرت کند (رهبر، نجات پور، موسوی نژاد؛ ۱۳۹۴: ۶).

پیروزی انقلاب اسلامی، تشیع و در سطح وسیع تر اسلام را به عنوان مهم ترین کارگزار در سطح جهان تشیع و جهان اسلام مطرح کرده است؛ به طوری که بسیاری از جنبش های اسلامی اعم از شیعه و سنی، انقلاب اسلامی را الگوی مبارزاتی خود قرار داده اند. در واقع انقلاب اسلامی ایران به همان سان که در بعد نظری، در محدوده جغرافیایی خاصی محصور نماند و اهداف و آرمان های سیاسی - اجتماعی جهانی را پی ریزی نمود، در حوزه عملی نیز استراتژی خویش را به گونه ای سامان داد که دقیقا اهداف جهانی و انسانی انقلاب را مورد توجه قرار دهد. لذا می توان نتیجه گرفت که وقوع بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیز دارای پیوند عمیقی با انقلاب اسلامی ایران است (همان؛ ۱۳۹۴: ۶).

۴. ایدئولوژی:

ایدئولوژی خالق ذهنیتی است که چند کار ویژه مهم دارد؛ نخست آن که کارگزاران را مجبور ساخته از طریق آن، واقعیات را مشاهده کنند، دوم آن که اهداف بلند مدت افراد و گروه ها را مشخص ساخته و راه های متکثری جهت دستیابی به این اهداف پیش روی آن قرار می دهد و سوم آن که توجیه کننده و منطقی ساختن انتخاب کارگزاران را بر عهده می گیرد. در واقع، ایدئولوژی همانند آینه ای است که واقعیات بیرونی را در ذهن کارگزاران به نمایش در می آورد و آن ها را از طریق خود با خارج آشنا می سازد (باقری دولت آبادی و فخرایی؛ ۱۳۹۷: ۹).

شکل گیری «ایدئولوژی انقلاب اسلامی» و ترس آمریکا و برخی کشورهای همسایه از صدور را می توان در شکل گیری جنگ میان ایران و عراق لحاظ کرد. آمریکایی ها هر چند حاضر نبودند که ایران را از دست بدهند، اما به خاطر رویارویی آن با امپریالیسم خواهان مهار آن بودند به گونه ای که کسینجر در اوایل انقلاب می گوید: «اگر انقلاب در چارچوب جغرافیایی ایران خلاصه شود برای ما قابل توجه است. ولی متوجه بودن صدور پیام انقلاب اسلامی، که حداقل خطاب به مسلمانان است، منافع و امنیت مقامات واشنگتن را تهدید می کند». همچنین در این رابطه هارلد براون، وزیر دفاع اسبق آمریکا در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، تصریح می کند که بزرگ ترین خطر برای امنیت آمریکا خطر توسعه طلبی شوروی نیست بلکه خطری است که از گسترش انقلاب های غیر قابل کنترل مانند انقلاب اسلامی ایران در جهان سوم ناشی می شود و در خاورمیانه انقلاب ایران {امام} خمینی نیروهایی خواهد شد که ما ناچاریم آن ها را به حساب آوریم (کسرای، موسوی؛ ۱۳۹۲: ۱۳).

محصور نبودن انقلاب اسلامی در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور را می توان به کرات در سخنان بنیان گذار جمهوری اسلامی مشاهده کرد به عنوان مثال امام خمینی (ره) می فرماید: «ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم، جمهوری، جمهوری اسلامی

است. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیاء برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم (ص) اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است (صحیفه نور؛ ج ۱۰: ۱۱۵).

حال به بررسی تاثیر نفوذ انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای خاورمیانه خواهیم پرداخت و اینکه این نفوذ چه تاثیری بر مردم این کشورهای گذاشته است.

۱. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر عراق:

جمهوری اسلامی ایران بر پایه اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی و مذهبی با کشورهای خاورمیانه ای از قدرت نفوذ مناسبی در منطقه برخوردار است. محبوبیت ایران در منطقه خاورمیانه تقریباً ثابت بوده و مبتنی بر اصول و مبانی اعتقادی و رفتاری است که با ماهیت انقلاب اسلامی مرتبط است. جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هفتاد و پنج میلیون نفر (۱۳۹۰) مسلمان (۹۸ درصد) که از این میزان ۸۱ درصد شیعه و ۹ درصد سنی می باشند. یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و تاثیرگذار اسلامی است. در این میان منطقه ژئوپولیتیک خاورمیانه با حضور ۱۵ کشور، بیشترین قرابت دینی و مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست. ۹۲،۲۶ درصد از جمعیت خاورمیانه مسلمان و ۱۸،۹۴ درصد آنها نیز دارای مذهب تشیع می باشند. از این لحاظ کشورهای منطقه بیشترین همگرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپولیتیک با جمهوری اسلامی ایران دارند. یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه کشور عراق می باشد که دارای قرابت جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران است (عسگرخانی، صادقی؛ ۱۳۹۰: ۸).

عراق به عنوان یکی از مهم ترین کشورهای همسایه در غرب ایران، همواره نقش مهمی در معادلات سیاست خارجی ایران ایفا کرده است. این کشور با داشتن بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی، از نقش برجسته ای در پیگیری و دستیابی سیاست های منطقه ای ایران در زمینه مبارزه با تروریسم، حفظ صلح و امنیت منطقه ای، ثبات اقتصادی و بسیاری از موضوعات مهم در جهان اسلام و عرب برخوردار است. از سوی دیگر، اشغال عراق از سوی بازیگران فرا منطقه ای و رقابت بازیگران منطقه ای برای اعمال نفوذ و تاثیرگذاری بر سیاست های این کشور، موجبات اهمیت فزاینده این کشور در سیاست خارجی ایران را فراهم آورده است. ایران به خوبی از قدرت نرم خود در عراق آگاهی دارد، قدرتی که در نتیجه ارزش ها، فرهنگ و مذهب مشترک بین ایران و عراق و سیاست خارجی ایران در قبال مسائل عراق ایجاد شده و تاثیر و نفوذ قابل توجهی بر سیاست ها و اقدامات دولت عراق داشته و همچنین بسترهای لازم را برای اجرای سیاست خارجی ایران مهیا کرده است (همان؛ ۱۳۹۰: ۲-۳).

انقلاب اسلامی ایران و عراق:

۱. ارزش سیاسی:

پس از سرنگونی صدام حسین و خارج شدن کنترل انحصاری کشور عراق از سلطه ی حزب بعث که به دلیل حمله آمریکا به این کشور انجام شد، جمهوری اسلامی ایران جمهوری اسلامی ایران تلاش بسیاری کرد تا نهاد هایی دموکراتیک در این کشور بوجود بیاید که بواسطه ی این نهادها، سایر گروه ها و جریان های عراقی بالاخص گروه های شیعی بتوانند در عرصه سیاسی و اجتماعی دارای نقشی پررنگ در عراق باشند.

جمهوری اسلامی ایران به دنبال ارتقا و ترویج ساختارها و فرایندهای دموکراتیک در عراق - به عنوان یک راهبرد - برای کمک به تحکیم دائم صدای شیعه در دولت عراق بوده تا دستیابی به اهداف خود را در عراق تسهیل کند. این اهداف عبارتند از: ثبات سیاسی و افزایش نفوذ. بنابراین هدف ایران توسعه یک راهبرد قدرت هوشمند موفق در عراق از طریق استفاده راهبردی از قدرت سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی است (همان: ۱۳۹۰: ۱۱).

۲. سیاست خارجی:

تاثیر سیاسی ایران بر توسعه روابط نزدیک با احزاب سیاسی شیعه عراق افزایش یافته است. برای مثال جمهوری اسلامی ایران در روابط خارجی خود، روابط نزدیک خود را با مجلس اعلای اسلامی عراق، حزب الدعوه اسلامی حفظ کرده است. از این طریق، ایران در عراق به دنبال تشویق سیاستمداران عراقی برای تعقیب سیاستهای مطلوب برای منافع مشترک منطقه ای است (همان: ۱۳۹۰: ۱۱).

حمایت عمومی از ائتلاف های شیعی (ائتلاف دولت قانون، ائتلاف الاحرار و ائتلاف الموطن) و تلاش برای جلوگیری از افول بیش از پیش حزب اتحاد میهنی کردستان در غیاب رهبرش جلال طالبانی، از جمله اقدامات نمادین و قابل رویت ایران در انتخابات اخیر بوده است. مشخص شدن نتایج اولیه انتخابات هم حاکی از تداوم روند پیشین در انتخابات های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ است و عملا می توان انتخابات ۲۰۱۴ را تثبیت نفوذ و حضور کم منازع ایران در عراق قلمداد کرد (پشنگ، زمردی؛ ۱۳۹۳: ۱۰).

از سوی دیگر، باید اشاره کرد که محدودیت ها و چالش هایی نیز در برابر تاثیر سیاسی ایران در عراق در حوزه سیاست خارجی وجود دارد. تاثیر اقتصادی ایران نیز در عراق مهم است. تا سال ۲۰۰۹، ایران از طریق روابط دو جانبه با کشور عراق به بزرگترین شریک تجاری این کشور در منطقه تبدیل شد. به علاوه، دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت های دولتی برای بازسازی عراق، سرمایه گذاری های عظیمی را انجام داده اند. همچنین گزارش جدید از سال ۲۰۰۹ نشان می دهد که دو شهر مقدس عراق یعنی کربلا و نجف، مقدس ترین مکان های زیارتی شیعه، هزاران زائر ایرانی را هر ساله جذب می کند. به علاوه شرکت های توریستی دولتی ایران، حامیان اصلی زائران ایرانی به شهرهای مقدس عراق هستند (عسگرخانی، صادقی؛ ۱۳۹۰: ۱۲).

۳. فرهنگ:

تاثیر فرهنگ ایران در عراق بسیار مهم است. قدرت نرم فرهنگی ایران با سه مولفه مشخص می شود: زبان فارسی، سنت های ایرانی و جریان اصلی تشیع. در رابطه با قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق باید در نظر داشت که تعداد کمی از عراقی ها به زبان فارسی صحبت می کنند. بنابراین مشکل است بتوان این مولفه را به عنوان عامل تقویت کننده قدرت نرم ایران در عراق به حساب آورد. زبان فارسی به عنوان مولفه تقویت کننده قدرت نرم ایران بیشتر در کشورهای فارسی زبان مانند افغانستان تاثیر گذار می باشد. دوم اینکه با در نظر داشتن این واقعیت

که دو کشور ایران و عراق کمتر از ۳۵ سال پیش (۱۳۹۰) با یکدیگر در حال تعارض و جنگی هشت ساله بودند، بعید است که سنت های ایرانی در عراق آن چنان مورد احترام قرار بگیرد که تاثیر جدی در تقویت قدرت نرم داشته باشد. اما سومین و مهم ترین جنبه از قدرت نرم ایران در عراق جریان تشیع است. تشیع مهم ترین مولفه قدرت نرم ایران در عراق جدید است. دو شهر قم در ایران و نجف در عراق مراکز آموزش های شیعی هستند که هر دو دارای حوزه های علمیه مهم می باشند. تبادلات و تعاملات فرهنگی و مذهبی که بین این دو مرکز وجود دارد اهمیت اساسی در روابط دو کشور دارد (همان؛ ۱۳۹۰: ۱۲).

جمهوری اسلامی ایران موفق شده است تا از قدرت نرم خود در صحنه عراق به ویژه در بین گروه های شیعی به بهترین نحو استفاده کند تا علاوه بر قدرت بالا در عراق و همراه ساختن دولت این کشور با خود در مسائل منطقه ای، حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی خود را نیز در این کشور افزایش دهد (نیاکوئی، کلارده؛ ۱۳۹۴: ۸).

۴. مذهب تشیع:

در میان مولفه های ژئوپلیتیکی موثر بر سیاست خارجی ایران عنصر تشیع و اسلام شیعی از نقش بسیار پر رنگی برخوردار است. در واقع سیاست خارجی ایران از زمان صفویه بدین سو بر محوریت عنصر تشیع یا شیعی محور بوده است که رفتارهای آن اغلب در واکنش به رفتارهای خارجی خصمانه ای صورت می گیرد که به صورتی همگراپانه از سوی فرهنگ های نامتجانس سنی و در مواردی مسیحی انجام گرفته است. از این رو ایران هیچ گاه نتوانسته است در ادوار مختلف تاریخ خود در برابر وضع شیعیان در کشورهای مختلف از جمله عراق یا لبنان بی تفاوت بماند و در طول تاریخ از این عنصر در سیاست خارجی خود بهره برده است؛ تا جایی که پیوستگی منافع ملی ایران و مذهب تشیع حتی برای بسیاری کشورها نیز محسوس بوده است (نیاکوئی، کلارده؛ ۱۳۹۴: ۷).

روزنامه نیویورک تایمز در این باره می نویسد: «امروز منابع رسمی دولت شیعه عراق افرادی هستند که عموماً از لحاظ سیاسی و مذهبی و شخصی بیشترین وابستگی ها را به ایران دارند». درباره نفوذ ایران در تحولات کنونی عراق، روزنامه «الوطن» چاپ عربستان می نویسد: «نفوذ ایرانیان در عراق به روشنی قابل مشاهده است. نامزدهای سنی و شیعه شرکت کننده در انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۵ عراق، ایران را به حمایت های مالی چند میلیون دلاری از احزاب عمده شیعه عضو ائتلاف متحد عراق متهم کرده اند». روزنامه «لس آنجلس تایمز» نیز می نویسد: «در مناطق جنوبی عراق ارتباط ایرانی ها با احزاب شیعه واضح است (عسگرخانی، صادقی؛ ۱۳۹۰: ۱۴).

۲. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر سوریه:

تاریخچه روابط ایران و سوریه را می توان از سال ۱۹۴۶ دانست؛ یعنی زمانی که سوریه به استقلال رسید و ایران بلافاصله با تاسیس کنسولگری خود در این کشور، این استقلال را پذیرفت. طی این دوران با وجود زمامداری با دیدگاه های مختلف، میان دو دولت، روابط و همکاری هایی برقرار بوده که می توان آن را حاکی از وجود یک دشمن مشترک به نام رژیم بعث عراق در دوران قبل از انقلاب دانست. حمایت ایران از قطعنامه ۳۱۶ شورای امنیت، که اسرائیل را وادار می کرده ۵ افسر سوری را که در خاک لبنان به اسارت گرفته بود، آزاد کند و سفر ۴ روزه حافظ اسد در دی ماه ۱۳۵۴ به ایران و امضای توافق نامه های همکاری در آن سفر نمونه ای از حسن نیت روابط قابل توجه طرفین است (سیمبر، قاسمیان؛ ۱۳۹۳: ۱۰).

دولت سوریه تنها کشور عربی بود که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در صدد حمایت و برقراری رابطه با جمهوری اسلامی برآمد که این حمایت را می توان متأثر از چند عامل دانست که عبارتند از:

۱. گسترش فعالیت نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس به منظور تاسیس چند پایگاه نظامی در منطقه؛
۲. خروج مصر از صحنه جهان عرب به دنبال عقد معاهده «کمپ دیوید» در سال ۱۹۷۸؛
۳. نیاز شدید سوریه به پشتیبانی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در تقویت بنیه اقتصادی و خرید تسلیحات پیشرفته (همان؛ ۱۳۹۳: ۱۱).

دلایل نزدیکی انقلاب اسلامی و سوریه:

۱. هویت ایدئولوژیک:

یکی از دلایلی که جمهوری اسلامی پس از انقلاب از رابطه با سوریه استقبال کرد این بود که دولت سوریه آخرین کشور از کشورهای عربی بود که همچنان در مقابل اسرائیل ایستاده بود. بدین روی، با توجه به آنکه یکی از آرمان های انقلاب اسلامی مبارزه با اسرائیل بوده، از این لحاظ دو کشور همسو بوده اند (همان؛ ۱۳۹۳: ۱۱).

ایران و سوریه در یک برهه از زمان در شرایط منطقه ای ویژه ای قرار گرفتند که بسیار علاقه مند بودند همچنان ادامه یابد. این زمانی بود که از آنان به عنوان محور مقاومت و رویارویی با اسرائیل یاد می شد. در آن شرایط «محور مقاومت» احساسات و افکار عمومی جهان عرب را که از روند اعتراف برخی از دولتهای عربی به اسرائیل و مشروعیت بخشیدن آن در سرزمین فلسطین خشمگین بودند، بر می انگیخت. یکی از مهم ترین ابزارهای توان نرم در نظام ایران و سوریه برای اظهار درست و حق به جانب بودن موضع گیری هایشان، زوم کردن بر روی سوژه ی حمایت از مردم فلسطین و تاکید بر این مسئله است که محاصره اقتصادی و انزوای سیاسی دو کشور ناشی از آن گونه موضع گیری ها می باشد، تا از این طریق جایگاه خود را در میان افکار عمومی مردم عرب و مسلمان مستحکم کند و آنها را بر ضد دولتهایشان بشورانند (الزویری؛ ۲۰۱۷: ۲-۳).

۲. سپردن نقش سیاسی به بازیگران غیر دولتی:

روابط میان سوریه و ایران فرصتی طلایی برای سپردن نقش سیاسی به بازیگران غیر دولتی - مانند حزب الله لبنان - فراهم ساخت که به علت برخورداری از حمایت های ناشی از روابط ایران و سوریه، در داخل لبنان و فراتر از آن در میان کشورهای عربی و اسلامی دستاوردهای بسیاری را کسب نموده است. اینجاست که از نقش مذهب و فرقه در تقویت روابط میان دو کشور کمک کرده است (همان؛ ۲۰۱۷: ۳).

در جهت افزایش منافع ملی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بحران سوریه، ابزار مفید و موثری برای تقویت گروه هایی همچون حزب الله و علویان سوریه بود (دهشیری، ملکیان بروجنی؛ ۱۳۹۵: ۶).

اهمیت استراتژیک سوریه برای ایران:

سوریه به جز روابط دو جانبه استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران، سالهای زیادی نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب را هم به عهده داشته است (قربانی، قربانی؛ ۱۳۹۴: ۲).

سوریه به دلایل خاص خود، امکان حضور ایران در لبنان را تامین و تضمین می کرد. این امر موجب پیدایش حزب الله، تشدید حرکت اسلامی در فلسطین و فشار بر اسرائیل شد و تمام این جریانات از نظر صدور انقلاب، بسیار موفق و سودمند تلقی گردید (سیمبر - قاسمیان؛ ۱۳۹۳: ۱۲). سوریه مسیر جغرافیایی ارتباط با گروه شبه نظامی شیعی «حزب الله» را فراهم می کند؛ گروهی که دستاورد ارزشمند انقلاب اسلامی است. گمان می رود بسیاری از تسلیحات حزب الله از سوی ایران و از طریق فرودگاه دمشق تامین شده باشد (همان؛ ۱۳۹۴: ۴).

علاوه بر این سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد. به همین دلیل، بر خلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع تحولات سوریه را دنبال کرده است (همان؛ ۱۳۹۴: ۲).

نتیجه گیری:

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مطرح شدن موضوع صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورها شاهد نفوذ انقلاب اسلامی به کشورهای مسلمان هستیم. اکثر گروه هایی که جذب انقلاب اسلامی می شدند گروه هایی بودند که تحت ظلم و انزوای سیاسی - اجتماعی به سر می بردند و از این با دیدن پیروزی انقلاب دچار قوت قلب شدند و بر علیه حکومت هایشان دست به اقدام زدند و توانستند نقش فعالی را در کشور هایشان به دست آورند. اما پس از جنگ تحمیلی شاهد کم رنگ شدن موضوع صدور انقلاب بودیم تا اینکه از سال ۱۳۸۴ دوباره موضوع صدور انقلاب مطرح و حتی شاهد تاثیر پذیری مردم شمال آفریقا از انقلاب اسلامی ایران بودیم که خواستار نفی ظلم و سرنگونی حکومت های ظالم و دست نشانده قدرت های استکباری بودند جریانی که به بیداری اسلامی شهرت یافت. از سال ۱۳۹۲ به بعد و با روی کار آمدن دولت اعتدال دکتر حسن روحانی دوباره موضوع صدور انقلاب که یکی از اصول انقلاب اسلامی می باشد به حاشیه رفت و شاهد سیاست های تنش زدایی از سوی دولت ایشان هستیم.

منابع:

۱. الزویری، محجوب (۲۰۱۷)، نا گفته های روابط ایران و سوریه، تهران، مرکز مطالعات ایرانی آنکارا.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱۰، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. برزگر، حسینی، ابراهیم، محمد صادق (۱۳۹۱)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۱۷۳-۱۸۸.
۴. پشننگ، زمردی، اردشیر، زهرا (۱۳۹۳)، بررسی تحولات سیاسی عراق در پرتو سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۳، صص ۴۹۹-۴۷۷.
۵. بگاه حوزه (۱۳۸۹)، گسترش جنبش های اسلامی و استبداد خاورمیانه ای، تهران، پایگاه اطلاع رسانی حوزه.
۶. دهشیری، ملکیان بروجنی، محمدرضا، نجمه (۱۳۹۵)، بررسی اهمیت استراتژیک سوریه برای جمهوری اسلامی ایران از منظر واقع گرایی تدافعی، تهران، کنگره بین المللی علوم اسلامی، علوم انسانی.
۷. رهبر، نجات پور، موسوی نژاد، عباسعلی، مجید، مجتبی (۱۳۹۴)، قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، پژوهش های راهبردی در سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۹-۱۰.
۸. زارع مهریزی، الهام (۱۳۹۳)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر تحولات کشور بحرین، فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۱۸، صص ۱۲۶-۱۱۰.
۹. سیمبر، قاسمیان، رضا، روح الله (۱۳۹۳)، مولفه های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۷۸-۱۴۴.
۱۰. عسگرخانی، صادقی، ابومحمد، سعید (۱۳۹۰)، بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره اول، صص ۹۴۹-۹۲۸.
۱۱. قربانی، قربانی، احمد، محسن (۱۳۹۴)، سیاست خارجی ایران در قبال تحولات سوریه و پیامدهای آن، تهران، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم انسانی.
۱۲. معین آبادی، انتقامی، حسین، عزیزه (۱۳۹۳)، بازتاب انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در تونس، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۰۵-۱۸۷.
۱۳. موسوی، کسرائی، محمدسالار، رحیم (۱۳۹۲)، انقلاب و جنگ ایران و عراق، پژوهشنامه متین، سال پانزدهم، شماره پنجاه و هشت، صص ۱۱۴-۹۴.

۱۴. نیاکوئی، مرادی کلارده، امیر، سجاد (۱۳۹۴)، رقابت قدرت های منطقه ای در عراق، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۶۸-۱۲۱.